

## نقش ترتیبات منطقه‌ای در غنای گفتمان جهانی حقوق بشر

نسرین مصفا<sup>۱</sup>

استاد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

حمانه کریمی کیا

دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۳/۲۲)

### چکیده

با گذشت هفتاد سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، در این مقاله، نقش این سند در گسترش ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر بررسی می‌شود. تاکنون، پنج منطقه در جهان (آفریقا، آمریکا، اروپا، منطقه عربی-اسلامی و آسیا-پاسیفیک) با الهام از این اعلامیه، ترتیبات منطقه‌ای مربوط به خود مانند اسناد و سازوکارهای اجرایی و نظارتی حقوق بشری را تأسیس کرده‌اند. در این ترتیبات منطقه‌ای ضمن حفظ اصول و ارزش‌های جهانی حقوق بشری مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ویژگی‌های منطقه‌ای مانند مبانی فلسفی، ارزش‌ها، هنجارها، نگرانی‌ها و نیازهای منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین دلیل، تأسیس ترتیبات منطقه‌ای، علاوه بر توسعه اصول جهانی حقوق بشر، با وارد کردن این اصول در سطح منطقه‌ای، قابلیت پذیرش و اجرای آنها را توسعه می‌دهد. سؤال اصلی این مقاله، در خصوص نقش اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایجاد ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشری و آثار این ترتیبات منطقه‌ای بر جهان‌شمولی حقوق بشر تعریف می‌شود. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نظام‌های حقوق بشری منطقه‌ای ادامه سیستم سازمان ملل متحد در ترویج و حمایت حقوق بشر در سطح منطقه‌ای است و اثربخشی آن را تقویت می‌کند.

### واژه‌های کلیدی

اسناد منطقه‌ای، اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق بشر، سازوکارهای منطقه‌ای، فرهنگ.

**مقدمه**

از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> تاکنون، جهان شاهد تحول تدریجی در ترتیبات و اسناد حقوق بشری از سطح جهانی به سطوح منطقه‌ای و ملی بوده است. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، تأسیس چندین سند منطقه‌ای را در زمینه حقوق بشر در پی داشته است. مروری بر این اسناد بیانگر آن است که آنها به زمینه‌ها، نگرش‌ها و نیازهای جوامع در سطح منطقه‌ای می‌پردازند و در عین حال در مسیر کلی اهداف و اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین شده‌اند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹ آذرماه ۱۳۲۷ (ده دسامبر ۱۹۴۸) با رأی مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ عضو سازمان ملل متحد به تصویب رسید. اما از پایان جنگ جهانی دوم، با افزایش تعداد اعضای این سازمان شاهد نمود تنوع فرهنگی در گفتمان حقوق بشر بوده‌ایم. مسائل امروز جهان نیز فراتر از حقوقی است که در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (هر دو مصوب ۱۹۶۶م.) مطرح شده‌اند. بنابراین این متن‌ها هرچند حاوی موازین مهم حقوق بشرند، باید بار دیگر بررسی و تکمیل شوند (بروجردی، ۱۳۸۹: ۵).

تاکنون پنج منطقه در جهان (آفریقا، آمریکا، اروپا، منطقه عربی-اسلامی و آسیا-پاسیفیک) ترتیبات منطقه‌ای مربوط به خود مانند اسناد و سازوکارهای نظارتی و اجرایی حقوق بشری، از جمله کمیسیون‌ها و دادگاه‌های ویژه را تأسیس کرده‌اند. این پژوهش، نقش اعلامیه جهانی حقوق بشر در تأسیس و گسترش اسناد و سازوکارهای منطقه‌ای را بررسی می‌کند. از این رو پرسش اصلی این پژوهش این است که اعلامیه جهانی حقوق بشر، در بیش از هفتاد سال حیات خود چگونه به تأسیس و گسترش ترتیبات منطقه‌ای (اسناد و سازوکارها) کمک کرده است؟

**۱. چارچوب نظری**

بخش زیادی از مباحث نظری در زمینه حقوق بشر، به ارزیابی و رابطه دو مبحث جهان‌شمولی حقوق بشر<sup>۲</sup> و نسبی‌گرایی فرهنگی<sup>۳</sup> اختصاص یافته است. طرفداران تفکر جهان‌شمولی اعتقاد دارند ارزش‌ها و هنجارهای حقوق بشری، برای همه انسان‌ها قابل تعریف و اجرا هستند، چراکه در ذات همه انسان‌ها مورد اعتبار و احترام‌اند (Perry, 1997: 461).

- 
1. The Universal Declaration on Human Rights
  2. Universalism of Human Rights
  3. Cultural Relativism

در مقابل، نسبی‌گرایی فرهنگی دیدگاهی است که می‌گوید ارزش‌ها و باورها از فرهنگ تأثیر می‌پذیرد. براساس نسبی‌گرایی فرهنگی، به‌جز موازین هر جامعه، هیچ معیاری برای درستی و نادرستی وجود ندارد (Brix, 2005: 632). جک دانلی نیز نوعی قداست برای متغیرهای ارزشی، فرهنگی و تاریخی هر ملت در نظر می‌گیرد که باید از انتقاد خارجی مصون باقی بماند. همچنین، دو قطب افراطی در دو سوی طیف نسبی‌گرایی-جهان‌شمول‌گرایی را می‌توان نسبی‌گرایی فرهنگی افراطی و جهان‌شمول‌گرایی افراطی نامید. نسبی‌گرایی فرهنگی افراطی معتقد است که فرهنگ، تنها منبع اعتبار یک حق اخلاقی یا یک قاعده محسوب می‌شود و این در حالی است که از دیدگاه جهان‌شمولی افراطی، فرهنگ از جایگاهی برای ارزیابی اعتبار قواعد یا حقوق اخلاقی برخوردار نیست (ellDonn, 1984: 400).

بیشتر اندیشمندان جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر را در مقابل هم و دو دیدگاه آشتی‌ناپذیر معرفی می‌کنند. برخی دیگر از اندیشمندان مثل جک دانلی و احمد النعیم به برقراری نوعی ارتباط بین این دو دیدگاه و معرفی راهکار میان‌فرهنگی می‌پردازند. اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نسبی‌گرایی و تنوع فرهنگی نه‌تنها با جهانی بودن ارزش‌های حقوق بشر در تضاد نیست، بلکه افزون بر وجود رابطه بین این دو دیدگاه، اعلامیه جهانی حقوق بشر که نماینده اصلی دیدگاه جهان‌شمولی حقوق بشر است، در تعریف و گسترش سازوکارها و ترتیبات منطقه‌ای که تبلور تنوع فرهنگی است، نقش چشمگیری ایفا کرده و این نقش هم در حوزه نظری و هم در حوزه عملی قابل بررسی است.

رهیافت کلی نظری در تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، جهان‌شمولی ارزش‌های حقوق بشر است. تدوین‌کنندگان این سند، ارزش‌های حقوق بشری را به‌صورت جهانی تعریف کرده‌اند. در مقاله حاضر، تفکر مذکور از دو جنبه مورد ارزیابی و چالش قرار می‌گیرد؛ نخست اینکه با بررسی روند تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر درمی‌یابیم این سند تنها از سوی نمایندگان یک جریان یا رویکرد ارزشی تعریف نشده، بلکه نمایندگان مناطق مختلف و نگرش‌های فرهنگی-ارزشی متفاوت در تعریف، تدوین و تصویب مفاد این اعلامیه حضور فعال داشته‌اند.

دومین بعد پژوهش این مقاله، به سازوکارهای منطقه‌ای که با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر تعریف شده و توسعه یافته‌اند، برمی‌گردد. سازوکارهای منطقه‌ای برای حقوق بشر در چارچوب رهیافت نسبی‌گرایی فرهنگی تعریف شده و به ارزش‌های منطقه‌ای توجه می‌کند؛ به این معنا که در هر زمینه فرهنگی و اجتماعی، عناصری وجود دارد که بر چارچوب ارزشی-حقوقی آن تأثیرگذار است. ضمن آنکه، همین ترتیبات منطقه‌ای، حقوق و تکالیف اساسی بشر را براساس اسناد و اصول جهانی حقوق بشر تعریف کرده‌اند. از این رو منطقه‌گرایی در حقوق

بشر نشان می‌دهد که جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر می‌توانند هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل وارد رابطه و پیوند شوند. در واقع، تعریف سازوکارهای منطقه‌ای با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر و بر مبنای ارزش‌ها و نیازهای هر منطقه، یکی دیگر از استدلال‌هایی است که می‌تواند بین جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر پیوند بزند و در عالم نظری، این دو رویکرد را از دو سر دامنه رادیکال یا افراطی به سمت مرکز و تعادل به سوی یکدیگر رهنمون شود. در ادامه، برای نشان دادن ارتباط مذکور، رابطه اعلامیه جهانی حقوق بشر و ترتیبات منطقه‌ای که با الهام از این اعلامیه تدوین شده و گسترش یافته است، بررسی می‌شود.

## ۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر، سند بنیادین در تاریخ حقوق بشر است. پیش‌نویس این سند در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.<sup>۱</sup> از این رو این اعلامیه دستاوردی مشترک برای تمام ملل محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

اگر بپذیریم که اعلامیه جهانی حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک انسانی میان فرهنگ‌های متفاوت است و به تهدیدهای خاصی که در جهان مدرن، بر کرامت انسانی وارد آمده است، پاسخ می‌دهد، می‌توان گفت که این سند استدلالی قوی در گفتمان جهان‌شمولی نسبی ارزش‌های حقوق بشری است و ارزش‌هایی که در اعلامیه مذکور متبلور شده است، کاربرد جهانی دارد (Donnelly, 1984: 417).

در تأثیر نگرش‌های فرهنگی در تدوین برخی از اسناد حقوق بشری می‌پردازیم، شاید بتوان گفت مهم‌ترین و جامع‌ترین سند حقوق بشری مدرن، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در فرایند تنظیم پیش‌نویس این اعلامیه بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ میلادی دیپلمات‌ها، حقوقدانان و اندیشمندان از همه قاره‌ها در فضایی چندفرهنگی و متکثر در فرایند تدوین این قانون اساسی حقوق بشر شرکت داشته‌اند. در واقع، نمایندگان نظام‌های ارزشی و حقوقی متنوع که هر کدام در زمینه متفاوتی از عناصر فرهنگی و عقیدتی ریشه دارند، در فرایند مذکور مشارکت داشته‌اند (Adami, 2012: 26-27).

اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر، از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. صرف‌نظر از بحث در خصوص ارزش حقوقی و لازم‌الاجرا بودن یا نبودن اعلامیه‌ها، نقش آنها در تبیین حقوق و هنجارسازی بین‌المللی بسیار مهم است. تأکید اعلامیه در ماده ۲۲ بر انجام

1. UN Doc A/RES/217. 10 Dec 1948.

۲. برای اطلاعات بیشتر در خصوص اعلامیه جهانی حقوق بشر و فرآیند تصویب آن، بنگرید به سایت رسمی سازمان ملل متحد به نشانی: <http://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights/>

همکاری‌های بین‌المللی برای دستیابی افراد به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، منشأ تشکیل سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای ترویج و حمایت بیشتر از حقوق بشر است و نشان می‌دهد که نه تنها جهانی بودن حقوق بشر، منافاتی با زمینه‌های فرهنگی و منطقه‌ای ندارد، بلکه تحقق آن، به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و منطقه‌ای مرتبط است. بدین ترتیب، اعلامیه مذکور، با تأکید بر اهمیت همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای توسعه حقوق بشر، الهام‌بخش بسیاری از اسناد و ترتیبات منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر شده است. به عبارت دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، جهانی بودن حقوق را در منافات با وارد شدن این حقوق در زمینه‌های منطقه‌ای و ورود عناصر فرهنگی نمی‌داند. البته اعلامیه جهانی حقوق بشر از ابعاد مختلف قابل تحلیل است و انتقاداتی نیز از مناظر مختلف به آن وجود داشته است. تأکید این سند بر اولویت فردگرایی بر حقوق جامعه، سبب شده است که طرفداران رویکرد نسبی‌گرایی و تنوع فرهنگی دست به تدوین اسناد و ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشری زدند که هم از اعلامیه جهانی حقوق بشر الهام گرفته و هم پاسخی است به انتقادات وارد بر آن.

### ۳. ترتیبات منطقه‌ای و گسترش جهانی حقوق بشر

رویکرد نسبی‌گرایی ارزشی و تنوع فرهنگی، ایده تعریف سازوکارهای منطقه‌ای حقوق بشری را گسترش داده است. اسناد و سازمان‌های منطقه‌ای حتی پیش از تدوین سند اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز وجود داشتند. اما با تدوین این سند، نهضت حقوق بشری در جهان وارد مرحله‌ای نوین شد. سازوکارهای منطقه‌ای، از یک سو در هدف و حقوق تعریف شده، با اعلامیه جهانی حقوق بشر هماهنگ هستند و از سوی دیگر، به زمینه‌های بومی-منطقه‌ای به‌ویژه ارزش‌ها و نیازهای هر منطقه توجه می‌کنند. از این رو این سازوکارهای منطقه‌ای می‌تواند با توجه همزمان به جهان‌شمولی احترام به حقوق بشر و حفظ خاص بودگی هر منطقه، فصل مشترک جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی ارزش‌های حقوق بشری باشد.

برای بررسی این امر، در ادامه ضمن اشاره به ترتیبات حقوق بشری در پنج منطقه جهان اعم از منطقه هیتی عربی-اسلامی و مناطق عمدتاً جغرافیایی آفریقا، اروپا، آمریکا و آسیا-پاسفیک، شش سند اصلی حقوق بشری منطقه‌ای از حیث ارتباط با اعلامیه جهانی حقوق بشر و توجه به ویژگی‌های هر منطقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

#### الف) ترتیبات حقوق بشری منطقه عربی-اسلامی

در منطقه هیتی عربی-اسلامی، دو سازوکار منطقه‌ای اصلی وجود دارد. نخستین سازوکار، اتحادیه عرب با ۲۲ عضو و دومین سازوکار، سازمان همکاری اسلامی با ۵۷ عضو از ۴ قاره جهان است. چندین سند منطقه‌ای حقوق بشری در قالب این دو سازوکار تدوین و تصویب

شده است؛ از جمله اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام<sup>۱</sup>، منشور عربی حقوق بشر<sup>۲</sup> و میثاق حقوق کودک در اسلام<sup>۳</sup>. در ادامه به دو سند مهم در این منطقه و اثرپذیری آنها از اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته می‌شود.

### سند نخست: اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام

اعلامیه قاهره در نوزدهمین نشست وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تاریخ ۳۱ جولای تا ۵ اوت ۱۹۹۰ در قاهره تصویب شد. اعلامیه قاهره، معرفی نگرش اسلامی به حقوق بشر است. این اعلامیه معمولاً به عنوان واکنش مسلمانان به بی‌توجهی اعلامیه جهانی حقوق بشر به زمینه‌های فرهنگی - دینی ملل تلقی می‌شود. در سال ۱۹۸۱ نماینده ایران در سازمان ملل متحد در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: این اعلامیه یک «برداشت سکولار نسبی‌گرایانه از فرهنگ یهودی - مسیحی» است که نمی‌تواند توسط مسلمانان بدون تجاوز نسبت به قوانین اسلامی اجرا شود (زهری، ۱۳۹۰: ۲۰).

در واقع، اعلامیه قاهره، تلاشی است از سوی جامعه اسلامی برای تأکید بر هویت اسلامی خود در سطح بین‌الملل و معرفی دیدگاه اسلامی در مورد حقوقی که افراد انسانی باید از آن برخوردار باشند (بروجردی، ۱۳۸۹: ۳). متن کلی این اعلامیه، سیاق نوشتاری و حقوق و آزادی‌های اساسی ذکر شده در آن، شبیه به اعلامیه جهانی حقوق بشر است. اما ویژگی اصلی اعلامیه قاهره، پیوند دادن هر یک از این حقوق و آزادی‌ها به مبانی فلسفی و فکری اسلامی است. اعلامیه قاهره از مفاهیم مختلف اسلامی (مانند ایمان، شریعت، آخرت، خلقت الهی، امت اسلامی، کرامت انسانی و دیگر) برای ایجاد این پیوند و جای‌دهی حقوق بشر در چارچوب گفتمان اسلامی استفاده می‌کند (مهرپور، ۱۳۸۳: ۵۰۲).

در مقدمه این سند، نخستین مفهوم اسلامی، مفهوم «خلیفه‌اللهی» انسان است. در سطر دوم مقدمه اعلامیه قاهره می‌خوانیم: «با آگاهی از جایگاه انسان در اسلام به عنوان جانشین خدا در روی زمین». مفهوم خلیفه‌اللهی انسان، هم ریشه کرامت، ارزش و حقوق انسان و هم ریشه فلسفی مسئولیت‌های آن را نشان می‌دهد. این برداشت از حقوق، تنها در حقوق اسلامی دیده می‌شود و در سایر مکاتب حقوقی مانند حقوق طبیعی جایی ندارد (رضانی، ۱۳۷۱: ۳۹). همچنین، اعلامیه قاهره مشتمل بر برخی حقوق است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیامده و بعدها در سایر اسناد حقوق بشری نظیر میثاقین و کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه حق توسعه ذکر شده‌اند.

1. Cairo Declaration on Human Rights in Islam
2. Arab Charter on Human Rights
3. Covenant on the Right of the Child in Islam

**سند دوم: منشور عربی حقوق بشر**

اتحادیه عرب در تاریخ ۲۲ مه ۲۰۰۴ «منشور عربی حقوق بشر» را در ماده ۵۳ در زمینه حقوق بشر اسلامی-عربی به تصویب رساند که از ۱۵ مارس ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شده است (25: 2012; Petersen).

در بند آخر مقدمه منشور عربی حقوق بشر، از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین و اعلامیه قاهره، به عنوان اسناد الهام‌بخش یاد می‌شود. لذا، سازوکارها و اسناد حقوق بشری منطقه‌ای و اسناد جهانی (به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر) از نظر تأثیر بر گفتمان جهانی حقوق بشر، دارای رابطه و تأثیرگذاری متقابل‌اند. بدین معنا که از یک‌سو، سازوکارها و اسناد حقوق بشری منطقه‌ای با الهام از اسناد جهانی حقوق بشری به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر تکوین یافته‌اند و از سوی دیگر، سازوکارها و اسناد منطقه‌ای، ادبیات اعلامیه جهانی حقوق بشر را با افزودن عناصر بومی گسترش می‌دهند و غنا می‌بخشند.

در متن منشور عربی حقوق بشر، بر همان حقوقی تأکید می‌شود که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین هم وجود دارد (مانند حق تعیین سرنوشت و حق اعمال حاکمیت ملی)؛ با این تفاوت که در این سند منطقه‌ای، در مورد زمینه اصلی و فلسفه ارزش‌ها در دین اسلام و مذاهب الهی دیگر بحث می‌شود. این موضوع از یک سو بر عناصر مشترک هویتی منطقه (مانند زبان عربی، دین اسلام، عناصر تاریخی مشترک) به‌عنوان عامل وحدت‌بخش در تعریف و توسعه سازوکارهای حقوق بشری منطقه‌ای تأکید می‌کند و از سوی دیگر، ارزش‌های حقوق بشری را در زمینه فرهنگ اسلامی-عربی بازتعریف می‌کند و به این شیوه، پذیرش و اجرای آن ارزش‌ها را در سطح منطقه تسهیل می‌کند. اجرای این سند با همکاری کشورهای این منطقه در قالب سازوکارهای منطقه‌ای مثل سازمان همکاری اسلامی می‌تواند به توسعه حقوق بشر در منطقه کمک کند (Kayaoglu, 2013: 23).

**ب) ترتیبات حقوق بشری منطقه‌ای در قاره آفریقا**

تا حدود دو دهه پس از تأسیس سازمان وحدت آفریقا، تمرکز این سازمان بر مسئله استعمارزدایی و ریشه‌کن کردن آپارتاید در قاره آفریقا بود. البته، گروه‌های مختلف مانند رسانه‌ها، کلیساها و سازمان‌های غیردولتی از اوایل تأسیس سازمان وحدت آفریقا بر لزوم توجه به نقض حقوق بشر در این قاره از سوی این سازمان تأکید داشتند (Nwobike, 2005: 139). گروه‌های فشار مذکور در آن زمان، ایجاد سازوکار منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر در قاره آفریقا را تشویق می‌کردند. فشار و کمک به‌طور هم‌زمان به سازمان وحدت آفریقا وارد می‌شد

۱. the Organisation of African Unity که بعدها به اتحادیه آفریقا (African Union) تبدیل شد.

تا رهبران آن روحیه‌ای را که سبب مبارزه برای استقلال سیاسی شده بود، صرف بازگرداندن شأن و منزلت مردم آفریقا کنند (Jean Désiré, 2010: 203). بدین ترتیب، سازمان وحدت آفریقا پیشگام تدوین معاهدات و تأسیس سازوکارهای مربوط به حقوق بشر در سیستم آفریقایی شد. همچنین، تأسیس مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سازوکارهای نظارتی و اجرایی حقوق بشری در قاره آفریقا که عبارت‌اند از کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم<sup>۱</sup>، دادگاه آفریقایی حقوق بشر و مردم<sup>۲</sup> و دادگاه آفریقایی عدالت و حقوق بشر<sup>۳</sup> گامی مهم در حمایت از حقوق بشر در این قاره بود. در ادامه، در مورد سند منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم<sup>۴</sup> و ارتباط آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر بررسی می‌شود.

### منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم

منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۶) مهم‌ترین سند منطقه‌ای حقوق بشری در نظام آفریقایی حقوق بشر است که در راستای حمایت و ترویج حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در این نظام به تصویب رسیده است. تدوین و تصویب منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم به‌عنوان ورود به دوران جدیدی از به رسمیت شناختن حقوق فردی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر در آفریقا مطرح شد (مهرپور، ۱۳۸۳، فصل پنجم).

منشور آفریقایی سندی منحصربه‌فرد در میان اسناد حقوق بشری است، زیرا مفهوم آفریقایی حق را معرفی می‌کند. این موضوع اغلب این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که آیا فلسفه «آفریقایی» منشور از جهان‌شمولی حقوق بشر به «فرهنگ‌گرایی آفریقایی»<sup>۵</sup> یا «نسبی‌گرایی فرهنگی» ختم می‌شود؟ از این رو برخی بر این باورند که نظام حقوق بشر آفریقا بستری مناسب برای مقابله با جهان‌شمولی حقوق بشر است (Jean Désiré, 2010: 94-95). با این حال، منشور بانجول قصد دارد ارزش‌های آفریقایی را با هنجارهای بین‌المللی ادغام کند و شباهت‌های مهم و پایه‌ای با دیگر اسناد بین‌المللی دارد. بنابراین، منشور رویکرد نوآورانه‌ای در هماهنگی ارزش‌های فرهنگی منطقه با اصول جهانی حقوق بشر در پیش گرفته است (Alemu, 2011: 35).

منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم نیز از اعلامیه جهانی حقوق بشر الهام گرفته است، ولی با توجه به شرایط خاص این منطقه تفاوت‌هایی با سایر اسناد بین‌المللی دارد که به سه مورد اصلی اشاره می‌شود:

1. The African Commission on Human and Peoples' Rights
2. the African Court on Human and Peoples' Rights-1998
3. African Court of Justice and Human Rights-2004
4. The African Charter on Human and Peoples' Rights-1986
5. African Culturalism



اول اینکه این منشور از حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق نسل دوم) و همچنین حقوق مردم (حقوق نسل سوم) حمایت کامل کرده است، درحالی‌که دیگر اسناد تنها به ذکر حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق نسل اول بسنده کرده‌اند. دوم اینکه در این منشور فقط به ذکر حقوق فردی<sup>۱</sup> بسنده نشده و پوشش کاملی به حقوق فردی و جمعی<sup>۲</sup> نهاده شده است. برای مثال در این منشور با توجه به نقش زندگی جمعی در فرهنگ و سبک زندگی آفریقایی به حقوق زنان و حقوق قبایل پرداخته شده است (مصفا، ۱۳۸۴: ۴۳).

در نهایت تفاوت سوم منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم با سایر اسناد حقوق بشری این است که این منشور فقط به ذکر حقوق افراد پرداخته و مسئولیت افراد را هم مدنظر قرار داده است. درحالی‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر فقط به حقوق انسان پرداخته و از وظایف آن سخن نگفته‌اند (Evans et al., 2008: 18-19).

برای ارزیابی سند منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم باید گفت این سند، نمادی از ایجاد تعادل بین جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبی‌گرایی فرهنگی است. این منشور، با تأکید بر حقوق گروهی و وظایف فردی، حقوق لیبرال غرب را به آن صورتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر منعکس یافته است، به چالش می‌کشد. تفاوت‌های فرهنگی نه تنها بحث تنش بین حقوق فردی و گروهی را پیش کشیده، بلکه این مسئله را که آیا جهانی شدن حقوق بشر امکان‌پذیر است یا نه، مطرح کرده است. منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ضمن توجه به نسخه معتدل جهان‌شمولی حقوق بشر، از این ایده حمایت می‌کند که تنها می‌توان از طریق گفت‌وگوی میان رویکردهای مختلف فرهنگی به مفهوم حقوق بشر دست یافت (Jean Désiré, 2010: 324-325).

### ج) ترتیبات حقوق بشری منطقه‌ای در قاره اروپا

برخی از مهم‌ترین اسناد حقوق بشری منطقه‌ای در اروپا شامل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا<sup>۳</sup> و منشور اجتماعی اروپا<sup>۴</sup> می‌شود. همچنین، سازوکارهای نظارتی و اجرایی حقوق بشر در منطقه اروپا که براساس این اسناد تأسیس شده‌اند عبارت‌اند از: دادگاه اروپایی حقوق بشر<sup>۵</sup>، کمیته اروپایی حقوق اجتماعی<sup>۶</sup> و کمیسیون حقوق بشر

1. Individual Rights
2. Collective Rights
3. EU Charter of Fundamental Rights
4. Charter European The Social
5. The European Court of Human Rights
6. The European Committee of Social Rights

شورای اروپا.<sup>۱</sup> در ادامه، به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۲</sup>، که به نوعی سند مؤسس سازوکارهای حقوق بشری منطقه‌ای در این قاره است و ارتباط آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته می‌شود.

### - کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

«کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»<sup>۳</sup> معروف به «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، یک معاهده بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری است. پیشنهاد تدوین این سند بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم از سوی دولت‌های عضو شورای اروپا در سال ۱۹۴۹ مطرح شد و هم‌اکنون تمام ۴۷ عضو شورای اروپا طرف این کنوانسیون هستند. هدف اولیه از تدوین این کنوانسیون بیشتر حمایت از حقوق مدنی و سیاسی افراد (یا آنچه ما اکنون با عنوان حقوق نسل اول می‌شناسیم) بود تا حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (حقوق نسل دوم) (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۱۰۷).

اعلامیه جهانی حقوق بشر، سند مادر و نقطه آغاز تدوین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. نویسندگان این سند، با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر، تلاش کردند فرهنگ احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را در راستای افزایش نقاط اشتراک و وحدت‌آفرین بین اعضا به کار بگیرند. در واقع این سند تلاشی برای اجرای دسته‌جمعی حقوق و آزادی‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر در قاره اروپا بود (جواری، ۱۳۸۲: ۲۳۰).

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در بخش نخست، افزون‌بر حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، بسیاری از حقوق مصرح در میثاقین (هر دو مصوب ۱۹۶۶) را نیز ذکر کرده است. کنوانسیون در بخش دوم، دو سازوکار اجرایی و نظارتی، یعنی «کمیسیون اروپایی حقوق بشر»<sup>۴</sup> و «دادگاه اروپایی حقوق بشر» را ایجاد کرد (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

کمیسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۴ و دادگاه اروپایی در سال ۱۹۵۹ آغاز به کار کردند. تأسیس این نهادها و در نظر گرفتن حق مراجعه افراد (از هر ملیتی) به دادگاه و طرح دعوا از سوی افراد علاوه‌بر دولت‌ها در هنگام نقض حقوق بشر، در آن زمان، تحولی در سیستم‌های حمایت از حقوق بشر تلقی می‌شد (میری لوسانی، ۱۳۸۷: ۹۵). به عبارتی نظام شکایت فردی از کنوانسیون اروپایی وارد نظام جهانی حقوق بشر شد و این یکی دیگر از نشانه‌های تعامل و رابطه متقابل بین ترتیبات منطقه‌ای و جهانی حقوق بشر است (سادات اخوی، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

1. The Commissioner for Human Rights
2. The European Convention on Human Rights
3. The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms
4. The European Commission on Human Rights

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ابتدا یک سازوکار دومارحله‌ای اجرایی و نظارتی برای حقوق بشر در نظر گرفته بود. بدین ترتیب که دادگاه اروپایی حقوق بشر در کنار کمیسیون اروپایی حقوق بشر، رسیدگی و نظارت بر اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را بر عهده گرفت. اما در نوامبر ۱۹۹۸ با تصویب یک پروتکل الحاقی، به منظور تسهیل فرایند رسیدگی به شکایات، کمیسیون منحل شد (زمانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳).

ویژگی دیگر دادگاه اروپایی حقوق بشر، ابداع «آموزه/دکترین حاشیه احترام»<sup>۱</sup> یا حاشیه مجاز تفسیر کنوانسیون است که نقطه عطفی در توجه به نسبی‌گرایی و تنوع فرهنگی در سازوکارهای نظارتی حقوق بشر است. این دکترین بین جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبی‌گرایی یا تکثرگرایی فرهنگی<sup>۲</sup>، به نوعی پل زده است (Greer, 2000: 21)؛ بدین معنا که دادگاه اروپایی حقوق بشر در اجرا و تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های آن، راه را برای میزانی از احترام به ارزش‌ها، برداشت‌ها و سایر ویژگی‌های ملی و بومی دولت‌های عضو باز می‌گذارد (شریفی طرازکوهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۱).

به‌طور کلی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در تعریف سازوکار منطقه‌ای و نظام گزارش‌دهی دولت‌ها برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر پیشگام بوده است. این سند همچنین در طول زمان و متناسب با تحولات جوامع اروپایی با تصویب پروتکل‌های مختلف تکمیل یافته است، از این رو می‌توان گفت امروزه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از مهم‌ترین اسناد حقوق بشری منطقه‌ای است که خود الهام‌بخش تدوین دیگر اسناد حقوق بشری منطقه‌ای بوده است.

#### د) ترتیبات حقوق بشری منطقه‌ای در قاره آمریکا

نظام آمریکایی برای حمایت از حقوق بشر، نوعی ترتیبات حقوق بشری منطقه‌ای و مسئول نظارت، ترویج و حمایت از حقوق بشر در ۳۵ کشور قاره آمریکا است که عضو سازمان کشورهای آمریکایی<sup>۳</sup> هستند. این نظام از دو سازوکار یا نهاد اصلی تشکیل شده است: کمیسیون آمریکایی حقوق بشر<sup>۴</sup> و دادگاه آمریکایی حقوق بشر<sup>۵</sup>. هر دو سازوکار مذکور، براساس مفاد کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر<sup>۶</sup> تأسیس شده‌اند که در کنار اعلامیه آمریکایی

- 
1. The Margin of Appreciation Doctrine
  2. Cultural Pluralism
  3. Organisation of American States
  4. The Inter-American Commission on Human Rights
  5. Inter-American Court of Human Rights
  6. The American Convention on Human Rights

حقوق و تکالیف بشر<sup>۱</sup> از جمله اسناد مهم حقوق بشری در منطقه آمریکاست. در این مقاله، به سبب شباهت‌های بین این سند با اعلامیه جهانی حقوق بشر، به بررسی بیشتر آن می‌پردازیم.

### اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر

اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر نخستین معاهده عام حقوق بشری است که حدود شش ماه پیش از اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شد. این اعلامیه در آوریل ۱۹۴۸ و در جریان نهمین نشست کنفرانس بین‌المللی کشورهای آمریکایی در بوگوتا پایتخت کلمبیا به تصویب رسید. سازمان کشورهای آمریکایی نیز در همین نشست رسماً تأسیس شد (Grossman, 2008: 1267).

در مجموع در معرفی متن اعلامیه آمریکایی باید گفت فصل اول اعلامیه، حقوق مدنی و سیاسی را همراه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فهرست می‌کند؛ متعاقب آن، فصل دوم شامل فهرستی از وظایف متناظر است. همان‌طور که در مقدمه توضیح داده شده: اجرای وظایف از سوی هر فرد، پیش‌شرطی برای تحقق حقوق همگان است. حقوق و تکالیف در حیات اجتماعی و سیاسی بشر، به هم وابسته است (Cerna, 2014: 1211).

اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر، در مجموع به چهار طریق عمده به توسعه ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در آمریکا و همچنین به گفت‌وگوهای جهانی حقوق بشر کمک کرده است. این کمک‌ها عبارت‌اند از: تعریف مفهوم حقوق بشر به‌عنوان میراث ذاتی انسان (که وابسته به ملیت او نیست) در عین توجه به اهمیت فرهنگ در لزوم حفظ آن<sup>۲</sup>؛ درک کامل و یکپارچه از ابعاد حقوق بشر (شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)؛ ایجاد رابطه تناظری و همبستگی بین حقوق و وظایف و ایجاد پایه‌های هنجاری حفاظت از حقوق بشر در برابر کشورهای عضو سازمان کشورهای آمریکایی که عضو کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیستند (Harris et al., 1998: chapter5).

فارغ از بحثی که در خصوص میزان الزام‌آوری اعلامیه‌ها می‌شود، باید به اثربخشی این‌گونه اسناد توجه کرد. اعلامیه‌ها می‌توانند با اظهار اصولی که قوانین عرفی را در حقوق بین‌الملل تشکیل می‌دهد، در سطح جهانی مورد استفاده و پذیرش قرار گیرند و بدین ترتیب، الزام‌آور محسوب می‌شوند. اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر در حال حاضر سند حقوقی الزام‌آور بین‌المللی برای دولت‌های آمریکایی محسوب می‌شود. مبنای قانونی که ماهیت قانونی اعلامیه را توجیه می‌کند، در تعهد به احترام و حمایت از حقوق بشر است که در منشور

1. The American Declaration of the Rights and Duties of Man

۲. ر.ک: مقدمه و ماده ۱۳.

سازمان کشورهای آمریکایی تعریف شده و به‌عنوان یک وظیفه عمومی و همگانی در اعلامیه قید شده است (Grossman, 2008: 1281).

### ه) ترتیبات حقوق بشری منطقه‌ای در منطقه آسیا-پاسیفیک

در حالی که اروپا، آفریقا و آمریکا اسناد حقوق بشری خود را با سازوکارهای اجرایی مربوطه ایجاد کرده‌اند، منطقه آسیا-پاسیفیک تنها منطقه تعریف شده از سوی سازمان ملل متحد است که هیچ معاهده حقوق بشری خاص یا سازوکار منطقه‌ای جامع جهت ارتقا و حمایت از حقوق بشر ندارد. اگرچه هدف نهایی ایجاد سازوکارهای حقوق بشری منطقه‌ای در آسیا-پاسیفیک تاکنون به دست نیامده، ولیکن در این منطقه نیز با حمایت سازمان ملل متحد پیشرفت‌هایی در ترویج و حمایت حقوق بشر صورت گرفته است. برای مثال در یکی از مناطق فرعی در آسیای جنوب شرقی و در چارچوب اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا<sup>۱</sup> کمیسیون بین‌الدولی حقوق بشری آسه‌آن<sup>۲</sup> به موجب اعلامیه حقوق بشر آسه‌آن<sup>۳</sup> تأسیس شده است. در ادامه این اعلامیه و اثرپذیری آن از اعلامیه جهانی حقوق بشر بررسی می‌شود.

#### اعلامیه حقوق بشر آسه‌آن

اعلامیه حقوق بشر آسه‌آن، در قالب سازوکار منطقه‌ای اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) که شامل ۱۰ کشور واقع در جنوب شرق آسیاست، تهیه و در تاریخ ۱۸ نوامبر ۲۰۱۲ تصویب شده است. این اعلامیه به دو دلیل اهمیت دارد: نخست اینکه اهداف و مأموریت کمیسیون بین‌الدولی حقوق بشری آسه‌آن را مشخص می‌کند و این کمیسیون، نخستین نهاد حقوق بشری منطقه‌ای در آسیاست که در سال ۲۰۰۹ و ذیل ماده ۱۴ منشور آسه‌آن تأسیس شده است؛ دوم اینکه اعلامیه حقوق بشر آسه‌آن می‌تواند سندی مقدماتی و الهام‌بخش یک سند حقوق بشری رسمی و با شمولیت بیشتر در منطقه آسیا-پاسیفیک باشد (Renshaw Shanahan 557, 2013).

اعلامیه جهانی حقوق بشر همچنین برای اعلامیه حقوق بشر آسه‌آن نیز نقش الهام‌بخش را ایفا کرد. در مقدمه این سند منطقه‌ای می‌خوانیم: «با تأکید بر تعهدمان به اعلامیه جهانی حقوق بشر...». همچنین، در بند ۱۰ تحت عنوان «حقوق مدنی و سیاسی» نوشته شده است: «دولت‌های عضو آسه‌آن تمام حقوق سیاسی و مدنی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را تأیید می‌کنند».

1. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)
2. ASEAN Intergovernmental Commission on Human Rights
3. ASEAN Human Rights Declaration

همچنین، یکی از مواد مهم اعلامیه حقوق بشر آ.سه.آن در ایجاد ارتباط بین جهانی بودن حقوق بشر و زمینه‌ای یا منطقه‌ای بودن اجرای آن، ماده ۷ است. در این ماده می‌خوانیم: «همه حقوق بشر، جهانی، غیرقابل تفکیک، به یکدیگر وابسته و مرتبط هستند. تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در این اعلامیه باید با رویکردی عادلانه، برابر و با جایگاه و تأکید یکسان نگریسته شود. در عین حال، تحقق حقوق بشر باید در سطوح منطقه‌ای و ملی با در نظر گرفتن زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و مذهبی مورد توجه قرار گیرد». با وجود این، هدف تدوین‌کنندگان اعلامیه حقوق بشری آ.سه.آن، ایجاد سندی بوده است که ارزش افزوده‌ای برای منطقه جنوب شرق آسیا داشته باشد. در مجموع، این اعلامیه ضمن تأکید بر موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر، تلاشی است برای برقراری تعادل و سازش بین جهانی بودن حقوق بشر و ویژگی‌های خاص منطقه‌ای. هرچند، هنوز شرق آسیا راه زیادی برای تعریف مدل واحد آسیایی برای حقوق بشر بر مبنای ارزش‌های آسیایی که از مجموعه‌ای از ارزش‌ها به ویژه جمع‌گرا ملهم است، پیش رو دارد (Ignatieff, 2003: 327).

### نتیجه

اعلامیه جهانی حقوق بشر، سنگ بنای بسیاری از اصول، موازین و هنجارها در زمینه حقوق بشر را بنیان گذاشته است. این اعلامیه، به منزله سند بالادستی، الهام‌بخش تدوین و توسعه بسیاری از اسناد و سازوکارهای جهانی، منطقه‌ای و ملی در زمینه حقوق بشر بوده است. در این مقاله، سازوکارهای حقوق بشری در پنج منطقه تعریف شده در جهان، که با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر ایجاد شده‌اند، معرفی و تأثیر این اعلامیه در شش سند حقوق بشری منطقه‌ای به بحث و بررسی نهاده شد.

در گفتمان جهانی حقوق بشر، به‌رغم بحث‌های طولانی و شناخته‌شده در مورد جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی فرهنگی، هنوز مرز باریک و پیچیده‌ای بین جهانی بودن حقوق بشر از یک سو و احترام به شیوه‌ها و سنت‌های بومی از سوی دیگر وجود دارد. این مرز، بیشتر به همسویی و همپوشانی بین سیستم‌های جهانی و منطقه‌ای برای ترویج و حمایت از حقوق بشر ترجمه می‌شود، به‌ویژه به این دلیل که ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر، خود حاکی از تلاش برای تقویت حمایت از حقوق اساسی بشر است، درحالی‌که بر ویژگی‌های منطقه‌ای و ارزش‌های مشترک بین بعضی از کشورها نیز تأکید می‌کند.

در این زمینه، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ترتیبات حقوق بشری منطقه‌ای ادامه نظام سازمان ملل متحد در ترویج و حمایت حقوق بشر در سطح منطقه‌ای است و اثربخشی آن را تقویت می‌کند. ایده جهان‌شمولی حقوق بشر با تأسیس و گسترش اسناد و ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشری، نه تنها به چالش کشیده نمی‌شود، بلکه با ورود ایده احترام به تنوع فرهنگی،

حقوق بشر در سطح جهانی با پذیرش و مقبولیت بیشتری به پیش می‌رود. ایده نسبی‌گرایی فرهنگی و افزودن عناصر ارزشی، فلسفی، زمینه‌ای و فرهنگی، سبب غنای گفتمان جهانی حقوق بشر و گسترش آن در مقیاس منطقه‌ای می‌شود.

تقریباً، همه اسناد و ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر، نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، جدیدترند و اغلب در پی احساس نیاز به فعالیت‌های منطقه‌ای در خصوص حقوق بشر به وجود آمده و ضمن تجدید عهد با حقوق و آزادی‌های اساسی منعکس شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین، به تکمیل و غنای ادبیات آنها با توجه به مبانی فلسفی و نگرش‌های فرهنگی متنوع در جهان، پرداخته‌اند. از این رو این اسناد ضمن گسترش جنبه‌های جهانی حقوق بشر بر جنبه‌های زمینه‌مند حقوق و ارزش‌ها تأکید دارند. به علاوه، در اسناد و سازوکارهای منطقه‌ای، حسب شرایط و زمینه‌های منطقه‌ای، مباحث تکمیل‌کننده ادبیات اسناد جهانی مانند زمینه‌سازی فلسفی حقوق و تکالیف به کار رفته است.

یکی دیگر از مهم‌ترین کارویژه‌های سازوکارهای حقوق بشری منطقه‌ای، پرداختن به نگرانی‌ها و موضوعات دارای اهمیت خاص در یک منطقه است که ممکن است در اسناد جهانی حقوق بشری مغفول مانده باشد. همچنین، به موازات گسترش اسناد و معاهدات حقوق بشری در عرصه بین‌المللی، ترتیبات حقوق بشری منطقه‌ای نیز برخی اسناد و پروتکل‌های الحاقی به اسناد منطقه‌ای را گسترش دادند که به طور موضوعی به حقوق بشر می‌پردازد.

از دیگر ویژگی‌های ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر، عملیاتی و اجرایی بودن این ترتیبات با توجه به ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی هر منطقه است. بدین ترتیب جهان، هفتاد سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، شاهد دوره گذار به سوی تأسیس سیستم جدید حقوق بشری است که در آن به کمک سازوکارهای منطقه‌ای، حقوق بشر قابلیت سازگاری بیشتری با خصوصیات زمینه‌ای و به‌ویژه فرهنگی پیدا می‌کند. ضمن اینکه در این هفتاد سال، ارزش‌ها و اصول حقوق بشر جهانی هم دارای گسترش افقی (جغرافیایی) و هم گسترش عمودی (تاریخی) بوده است.

## منابع و مآخذ

### الف) فارسی

۱. بروجردی، مصطفی (۱۳۸۹). مقایسه اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه قاهره، خبرگزاری تقریب، تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در آدرس (تاریخ آخرین دسترسی: ۱۰ شهریور ۱۳۹۷): <http://taghribnews.com/fa/doc/article/33671>/مقایسه-اعلامیه-جهانی-حقوق-بشر-قاهره
۲. جوانی، مارگریت (۱۳۸۲). «آزادی‌های بنیادین بشری در اسناد بین‌المللی»، مجله کانون وکلا، ش ۱۸۰ و ۱۸۱، ص ۲۴۹-۲۳۰.

۳. رضائی، مرتضی (۱۳۷۱). منشور بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام و وضعیت جمهوری اسلامی ایران، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، رشته حقوق بین‌الملل، استاد راهنما: جمشید ممتاز، دانشگاه تهران.
۴. زمانی، سید قاسم؛ وکیل، امیرساعد؛ و عسکری، پوریا (۱۳۸۶). **نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر**، چ اول، تهران: شهر دانش.
۵. زهروری، رضا (۱۳۹۰). **مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب (از منظر پدر حقوق بشر اسلامی علامه آیت‌الله محمدتقی جعفری (ره))** (به ضمیمه متن اصلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی و ترجمه آن)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی، کد موضوعی: ۲۴۰، مردادماه ۱۳۹۰.
۶. سادات اخوی، سید علی (۱۳۸۷). "پیش‌نویس پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۴) آوریل ۲۰۰۸"، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۴، ص ۲۳۷-۲۲۱.
۷. شریفی طرازکوهی، حسین؛ مبینی، جواد (۱۳۹۳)، «دکترین حاشیه مجاز تفسیر در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، مقاله ۳، دوره ۱۶، ش ۴۴، ص ۱۰۳-۷۳.
۸. طباطبایی، سید احمد (۱۳۸۲). «دادگاه اروپایی حقوق بشر؛ ساختار و صلاحیت‌های جدید»، **مجله اندیشه‌های حقوقی**، سال اول، ش ۵، ص ۱۳۶-۱۰۵.
۹. مصفا، نسرین (۱۳۸۴). «در جست‌وجوی حمایت بیشتر، پروتکل حقوق زنان منشور حقوق بشر و مردم آفریقا»، **مجله مطالعات آفریقا**، ش ۱۲، ص ۶۶-۴۳.
۱۰. مهرپور، حسین (۱۳۸۳). **نظام بین‌المللی حقوق بشر**، چ دوم، تهران: اطلاعات.
۱۱. میری لواسانی، سمیه‌سادات (۱۳۸۷). «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مقایسه آن با برخی اسناد حقوق بشری»، **فصلنامه حقوقی گواه**، ش ۱۳، ص ۸۹-۹۷.

## (ب) خارجی

12. Adami Rebecca (2012). "Reconciling Universality and Particularity through a Cosmopolitan Outlook on Human Rights", **Cosmopolitan Civil Societies Journal**, Stockholm University, Sweden, Vol.4, No.2, 2012 ISSN: 1837-5391; CCS Journal is published under the auspices of UTSePress, Sydney, Australia. Available from: <http://utsescholarship.lib.uts.edu.au/eprint/journals/index.php/mcs> [Accessed 28 April 2018].
13. Alemu Frew Demeke (2010). "The African Court of Justice and Human Rights: An Opportunity to strengthen Human Rights Protection", **Master's Thesis for International Human Rights Law Course** College Advisor: Dr. Daniel Kuwali, Lund University, Munich, GRIN Verlag. Available at [last accessed 2018-11-24]: <https://www.grin.com/document/276768>
14. Brix H. James (editor) (2005). **Encyclopedia of Anthropology**, SAGE Publication, USA.
15. Cerna, Christina M. (2014). "Reflections on the Normative Status of the American Declaration of the Rights and Duties of Man", University of Penn, **Journal of International Law**, Vol. 30:4. Pp. 1211-1237.
16. Donnelly, Jack (1984). "Cultural Relativism and Universal Human Rights", **Human Rights Quarterly**, Volume 6, Number 4, pp. 400-419.
17. Evans, Malcolm & Murray, Rachel (Editors) (2008). **The African Charter on Human and Peoples' Rights: The System in Practice 1986-2006**, Cambridge University Press, second Edition, ISBN: 1139470841, 9781139470841.
18. Greer, Steven (2000). "The Margin of Appreciation: Interpretation and Discretion under the European Convention on Human Rights", **Reader in Law**, University of Bristol, United Kingdom, published by Council of Europe, Human rights files No. 17, July 2000.
19. Grossman, Claudio (2008). "The Inter-American System of Human Rights: Challenges for the Future", **Indiana Law Journal**, Vol. 83. Pp. 1267-1282.
20. Ignatieff, M. (2003). **Human Rights as Politics and Idolatry**, Princeton University Press, New Jersey.



21. Jean Désiré Ingange-wa-Ingange (2010). "The African Human Rights System: Challenges and Prospects", **Thesis for the Degree of Doctor of Laws (LLD)**. Promoter: Prof. André Mbata Betukumesu Mangu, Faculty of Law, University of South Africa, April 2010.
22. Kayaoglu Turan (2013). "A Rights Agenda for the Muslim World? The Organization of Islamic Cooperation's Evolving Human Rights Framework", **Brookings Doha Center Analysis Paper**, Number 6, January 2013, Doha, Qatar. Available from [Accessed 18 July 2018]: <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/06/Turan-Kayaoglu-English.pdf>
23. Nwobike Justice C. (2005). "The African Commission on Human and Peoples' Rights and the Demystification of Second and Third Generation Rights under the African Charter: Social and Economic Rights Action Center (SERAC) and the Center for Economic and Social Rights (CESR) v. Nigeria", **African Journal of Legal Studies**, Volume 1, Issue 2, pages 129 – 146, DOI: 10.1163/221097312X13397499736101
24. Perry Michael J. (1997). "Are Human Rights Universal? The Relativist Challenge and Related Matters", **Human Rights Quarterly**, Vol. 19, No. 3, Aug., 1997, pp. 461-509, Published by: The Johns Hopkins University Press, Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/762723>. Accessed: 30/10/2018 22:15.
25. Petersen Marie Juul (2012). "Islamic or Universal Human Rights? The OIC's Independent Permanent Human Rights Commission", **Danish Institute for International Studies (DIIS) Report 2012:03**. Available at [last access: 2018-09-27]: [http://pure.diiis.dk/ws/files/66504/RP2012\\_03\\_Islamic\\_human\\_rights\\_web.pdf](http://pure.diiis.dk/ws/files/66504/RP2012_03_Islamic_human_rights_web.pdf)
26. Shanahan Renshaw Catherine (2013). "The ASEAN Human Rights Declaration 2012", **Human Rights Law Review**, Volume 13, Issue 3, 1 September 2013, Pages 557–579, available at [last accessed 2018-11-24]: <https://academic.oup.com/hrlr/article/13/3/557/595142>

